

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

درباره حوادث گنبد

فدائیان موظفند سخن بگویند

مردم رانبروی در برابر مردم جلوه دهد. چگونه می خواهد میراث حماسی جان باختگان خلق را لوث کند و هرندانی را که حق می طلبد در سینه خاموش سازد و چگونه می خواهد با اعمال نوطه گرانسه، حیثیت انقلابیون فدائی خلق و حیثیت انقلاب و قیام مردم را لکه دار سازد. همه باید بدانند مرتجعان نوطه گر آنگاه که منافع مادی خود را در خطر ببینند، آنگاه که مشاهده کنند که دیگر استثمار و حشانه خلق چندان هم ساده نیست، از مباردت به بی شرمانه ترین جنایات هم دریغ نخواهند کرد.

میهن پرستان موظفند لب به سخن بکشایند، حقایق را برای مردم بازگو کنند، همه چیز را بگویند تا، افشا شوند نوطه گرانی که تلاش می کنند دستاوردهای مبارزات مردم و قیام قهرمانانه شان را باهمال کنند، انقلاب ستکشان راه کج راه کشانند، پیروزی انقلاب را بر سر ارتجاع وابسته به امپریالیسم مانع شوند، و از احقاق حقوق زحمتکشان و خلعهای مبارز میهنان جلو گیرند. همه مردم باید از نوطه های کثیف باخبر شوند. همه باید بدانند ارتجاع زخم خورده با چه حلیه هائی میکشد در بین مردم تفرقه بیندازد و نیروهای مردمی را در برابر یکدیگر قرار دهد، و چگونه می خواهد بیکرترین، پایدارترین و پاکبخته ترین نیروهای مدافع

سرمقاله

رفراندوم انجام شد اما...

رفراندوم در شرایطی که فضای غیر دموکراتیک بر کشور غالب بود، در شرایطی که رای دهندگان و طرفداران آزادی و دموکراسی هیچگونه اطلاعی از چهارچوب قانون اساسی و ماهیت جمهوری اسلامی نداشتند برگزار شد. به هر حال همانطوریکه قبلاً گفته ایم بحث ما به هیچ وجه بر سر نام جمهوری نیست، بلکه قانون اساسی آن، محتوی و عملکرد آن است که می باید ملاک قضاوت مردم قرار گیرد. ما قبل از فراندوم گفتیم که پیش از هر چیزی، مجلس موسسان از نمایندگان منتخب مردم تشکیل شود. قانون اساسی را تدوین نماید، سپس نوع جمهوری را به همه پرسى بگذارد. ولى بدون توجه به این سیر منطقی رفراندوم انجام پذیرفت.

از قیام پیروز منند ۲۱ بهمن تاکنون مردم چشم انتظار اقداماتى انقلابی و تغییراتی اساسی بوده اند، ولی هنوز حداقل آنچه را که از انقلاب انتظار داشتند بدست نیاورده اند. حال باید دید که از این به بعد چه تغییراتی در زندگی مردم روی خواهد داد، و چه تصمیماتی در جهت منافع مستقیم توده های زحمتکش و کوتاه کردن دست امپریالیسم و عناصر وابسته به آن انجام خواهد گرفت؟ در قانون اساسی جدید تا چه اندازه خواستهای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته می شود؟ و دموکراسی مورد نظر توده ها تا چه میزانی برقرار خواهد شد؟ چگونه پاسخ گویی به این خواستها و نیازهای مردم است که محتوی جمهوری اسلامی را تعیین خواهد کرد. بدیهی است جمهوری اسلامی ناآنجا که محتوایی دموکراتیک و ضد امپریالیستی داشته باشد و قانون اساسی آن با توجه به منافع زحمتکشترین اقشار و طبقات تنظیم شود و دستهای امپریالیسم و وابستگانش را کوتاه کند، مورد تأیید مردم و نیروهای مترقی قرار خواهد گرفت. در غیر این صورت از حمایت مردم برخوردار نخواهد بود. برای این چگونگی، بر سر سوزن با مسائل زیر است که محتوای حکومت آینده را مشخص خواهد کرد.

سرمایه های وابسته و دلالتان امپریالیسم که اقتصاد کشور را در دست داشتند و به استثمار توده ها مشغول بودند، صنایع وابسته که پایگاه امپریالیسم بوده اند و هسته توده وضعیتی خواهند یافت؟ آیا بانکها که عامل تسلط سرمایه های مالی امپریالیستها و یکی از ارکان جذب دسترنج کارگران و زحمتکشان است، ملی میشود؟ کنترل و اداره آنها چگونه و در جهت منافع چه کسانی خواهد بود؟ صنعت نفت به چه صورتی اداره می شود و درآمد های حاصل از آن در چه جهتی است؟ آیا در جهت منافع کارگران و دهقانان و زحمتکشان است؟ یا مجدداً در جهت تحکیم قدرت امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به کار گرفته خواهد شد؟ قوانین ضد کارگری و ضد دموکراتیک، قوانینی که حافظ تمام و کمال منافع سرمایه داران وابسته است و کارگران را به برده تبدیل کرده، لغو خواهد گردید؟ برای بهبود وضعیت کشاورزی و جبران خانه خرابی های دهقانان، برای انجام اصلاحات ریشه ای و دموکراتیک، برای جلوگیری از اجحافات کشت و صنعتها و شرکت های سهامی زراعی و سایر موسسات مشابه چه اقداماتی خواهد شد؟ برای تأمین آزادی اجتماعات و تظاهرات، آزادی کامل قلم و بیان و اعتقاد آزادی تشکیل احزاب و سازمانهای سیاسی، صنعتی، فرهنگی و اجتماعی چه پیش بینی هائی کرده است؟ آیا برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در نظر گرفته شده است؟ حقوق ملی و دموکراتیک خلقها در تعیین سرنوشت خود تأمین و به رسمیت شناخته خواهد شد؟

پاسخ عملی به این مسائل و خواستهای مردم است که محتوای جمهوری اسلامی را روشن خواهد کرد و نتایجی بر ای کارگران و زحمتکشان که خون بهای سنگینی پرداخته اند، به بار خواهد آورد.

کارگران سخن میگویند:

از آنجا که رفراندوم به پایان رسیده و مردم کشور ما اکنون خواستار تغییراتی انقلابی در تمام سطوح جامعه هستند، لازم دانستیم بخشهایی از بحث و گفتگوی کارگران را در این شماره بیاوریم که گویای خواستها و انتظارات آنها از برنامه آینده دولت است. بقیه در صفحه ۲

ارتش خلق چیست؟

رفقای کارگر سئوالات زیادی در مورد پایه ای مسائل اجتماعی از ما کرده اند که از این به بعد سعی خواهیم کرد در هر شماره به یکی از آنها پاسخ گوئیم. در این شماره تحت عنوان ارتش خلق چیست به یکی از این پرسش ها پاسخ خواهیم گفت.

تاریخ تمام جوامع از زمان بوجود آمدن طبقات تاکنون تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. مبارزه به صورت قهرآمیز و یا غیر قهرآمیز همواره در این جوامع وجود داشته و مبارزه مسلحانه ادامه مبارزه سیاسی و عالی ترین شکل مبارزه است. در جوامع طبقاتی دونوع سیاست را از یکدیگر جدای کنیم. سیاست طبقه ای که دیگران را استثمار و سرکوب می کند و سیاست طبقه ای که استثمار و سرکوب می شود. استثمارگران برای اعمال سیاست

چگونگی تشکیل شورای کارگران در یک کارخانه

در این شماره جریان تشکیل شورای کارگران کارخانه گلوکوزان و دستاورد هائی که این شورا در مدت کوتاهی حیات خود داشته است به اطلاع خوانندگان میرسد. کارخانه گلوکوزان واقع در شهر مسکو، شوروی سابق، تولیدات این کارخانه مواد غذایی از قبیل نشاسته، گلوکز، خوراکی دام و چند محصول دیگر غذایی است. این کارخانه جزو صنایع وابسته به احصارات غربی است و یک شرکت چند ملیتی ۴۰-۵۰ درصد سهام را در اختیار دارد. قسمتی از مواد اولیه مورد نیاز کارخانه از خارج وارد میشود.

صبح روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه سال گذشته همزمان با پیروزی تمام تهران بود که کارگران کارخانه جلوسوی نگهبانی جمع شده بودند و فریادهای مرگ بر شاه سرگ بر بختیار، مرگ بر مدمیر عامل ظنن انداز بود. رژیم سلطنتی سقوط کرده بود. شور و شوق کارگران بی اندازه بود. فریادهای بلند سرگ بر تمام کارفرمایان سرسپرده، کارگران را ذوق زده کرده بود.

از یکماه پیش که کارخانه بصورت نیمه تعطیل در آمده بود، کارگران در کارخانه جمع میشدند و بطور جمعی به بحث می پرداختند. از اتحاد کارگران در مقابل کارفرما جهت احقاق حقوق خود صحبت میکردند، از شوراها نیز صحبت میکردند، اما اکنون روزی دیگر بود. اکنون زمان آن رسیده بود که کارگران آن حرفها را عملی کنند بخصوص که دیگر از ماموران حکومت نظامی و دیگر عوامل سرکوب خبری نبود و هر یک به سوراخی گریخته بودند. پس در این لحظه خاص "چه باید کرد؟" پیشنهاد شد که برای رسیدن بقیه در صفحه ۵

آقای قطب زاده!

هدف از بخش اخبار جعلی و تحریک آمیز چیست؟

در رابطه با وقایع و برخوردهای مسلحانه که در گنبد جریان داشت، با راهبانی هائی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق به تلویزیون داده شد. این بهانه ها که جهت روشن کردن حقایق برای هموطنان و افشای نوطه های مرتجعین بود و به صراحت عدم دخالت مارا در جنگ های گنبد بیان کرده و ادامه جنگ را زهر طرف محکوم کرده بود از

تلویزیون خوانده نشد و گفته شد که بنا به تصمیم مسئولان تلویزیون اعلامیه های گروههای سیاسی از تلویزیون خوانده نمیشود. (گویا آقای قطب زاده هم قیلا در سخنرانیهای خود چنین گفته بود) بدون شک، بخش بهانه سازمان مامیتوانست در جلوگیری از زد و خورد ها و حل صلح آمیز مسائل گنبد موثر

دو این شماره

- ۱. گزارشی از یک بازجویی
- ۲. اخبار کارگری
- ۳. ادبیات کارگری
- ۴. تاریخچه اول ماه مه
- ۵. اخبار خارجی
- ۶. اخبار شهر و روستا
- ۷. ورود اسقف کاپوچی به ایران
- ۸. سندی دیگر از اختناق
- ۹. تبلیغات مفرضانه علیه نیروهای مبارز

اول ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران، عید انقلابی زحمتکشان سراسر جهان است. بیش از ۹۰ سال است که زحمتکشان کشورهای مختلف، این روز را با تظاهرات، راهپیمائی و جشنهای باشکوه برگزار میکنند. در این روز تاریخی میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار میکشند و خواستههای خود را با شرکت در مراسم اول ماه مه بیان میکنند. تاریخ اول ماه مه به وقایعی بر میگردد که در سال ۱۸۸۶ در امریکا اتفاق افتاد. بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران سخن میگویند:

بقیه از صفحه اول

"هنوز مفهوم جمهوری اسلامی را بیان نکرده اند که یعنی چه؟ آیا برای زحمتکش و قشرهای پایین برنامه هائی در نظر گرفته اند؟ وقتی من کارگر ندانم برای چه چیز در نظر گرفته شده، به چه چیز رای بدهم؟"

"من یک کارگر برون هستم. ناچار برای ماکارگران کسی کاری نکرده است. ولی وقتی که کسی میخواهد ما را بدهیم، دیگر با هم بی حسابیم. آقای خمینی گفته یول کارگرها را بدهید. چرا نمی دهند؟ مگر این حرف اسلامی نیست؟ چرا عمل نمیکنند؟"

"الان میگویند که پول تلفن فلان قدر شده، که من اصلاً تلفن ندارم. میگویند آب و برق اینقدر شده، که همان چیزی را که قبلاً میدادم الان هم دارم میدهم. هیچ چیز تغییری نکرده، اگر ما میخواهیم به اسم رای بدهیم که آن مسئله جداگانه ای است. ولی اگر به خواسته هایمان رسیدگی میشود، آن برای ما مهم است."

"اگر در فرزندم شرکت نمیکنم، به این خاطر نیست که از اسلام آگاه قلبی دارم. یا بگویم خدانیت و غیره، اگر حتی یک عده بپایند و بخواهند جمهوری سوسیالیستی برقرار کنند و فرزندم بگذارند، باز هم ما خواسته هایمان را میخواهیم. میخواهیم بدانیم آن جمهوری چه کاری برای ما مردم و طبقات زحمتکش میکند؟ مسئله دین اصلاً مطرح نیست. ما خواسته داریم. ما چیزهایی را میخواهیم که در جامعه گذشته از دست دادیم و میخواهیم آن رژیم که سر کار می آید، حقوقمان را بدهد. این راهم بگویم که بعضی از رفقای میگویند که چون این رژیم حق ما را نمیدهد رای نمیدهیم. ما حق نمیخواهیم، حق را میگیریم."

"اول باید ببینیم ماهیت این دولت چیست؟ و نماینده کسی است؟ بعد خواسته هایمان را بگویم و توقع داشته باشیم خواسته کارگر را برآورده کند. اگر این دولت نماینده مردم است، باید منافع ما را در نظر بگیرد. اینکه آب و برق و تلفن را مطرح میکنند، اینها چیزهای جزئی است. یک چیز کلی تر هست که آن قانون است. ما باید بدانیم اصلاً چه قانونی میخواهند برای ما بگذارند. قانون اساسی الان مهمترین چیزی است که باید درباره اش حرف زده شود. در این قانون اساسی برای کارگر چه چیزی در نظر گرفته شده؟ مسئله این نیست که فلان کس حرفی را میزند و فلانی اجرا نمیکند. مسئله سیستم است. مسئله آن نظام اجتماعی است. ارتش، فرهنگ، دادگستری به همان شکل قبلی است. پس قوانین قبلی هم دارد اجرا میشود. مجلس مؤسسان قانون اساسی را میبوسد. آینده من توی همین قانون اساسی است. اگر این دولت موقت واقعا "از منافع مردم دفاع میکند. چرا قانون اساسی را اول ننوشت و بیان نگفت؟"

"ما نه تضمینی برای فرزندم داریم و نه میدانیم جمهوری اسلامی چی هست؟ اصلاً معلوم نیست حرفهایی که زده میشود حرفهای چه کسی است؟ آدمهای غیر مسئول می آیند و درست صدوقیض هم حرف میزنند. آقای خمینی یک چیزی میگوید، بنی صدر یک چیز دیگر. آن بهشت موعودی که میگویند جمهوری اسلامی است، کدام یک از اینهاست؟ مثلاً "چقدر روی این سر لشکر قره نی تکیه شد، اسرار و مدارک رده شد، آقایان قبول نمیکردند و حرف خودشان را میزدند، بعد خودشان عوضش کردند. پس کدام حرف درست است؟"

"میگویند جمهوری اسلامی مترادف است با آزادی و استقلال. آیا شما توضیح هم میدهند چه نوع آزادی؟ و چه نوع استقلالی؟ آقای بنی صدر میگوید که خوب مخالفین ضرورت ندارد که رای "نه" بدهند. بپایند رای سفید بدهند. مثل اینکه ایشان در آسمان زندگی میکنند یا هنوز در اروپا هستند. در حالیکه همه میدانیم که در کارت رفزاند اصلاً جای سفید نیست. خلاصه هر دسته و گروهی استنباط های خودش را از جمهوری اسلامی دارد و بنابه سلیقه خودش فکر میکند و بهیچوجه هم این حرفها ضامن اجرائی ندارد."

"من میخواهم بدانم، آیا در آینده، کارخانجات کفش ملی، ماشین سازی، ناسیونال، ماشین سازی خاور و خیلی از این نوع کارخانجات ملی خواهند شد یا نه؟ اکثر کارخانه ها و شرکت های خارجی هستند یا به دربار وعده ای سرمایه دار وابسته تعلق دارند."

ارتش خلق چیست؟

بقیه از صفحه اول

خود به نیروی ارتش ضد خلقی متکی می شوند. در مقابل آن استعمار شوندهگان، در جریان مبارزه و نبرد علیه ستم طبقاتی در جریان انقلاب خلق و در طی نبرد مسلحانه بسپار طولانی و فوق العاده دشوار ارتش خلق را به وجود می آورند. به این ترتیب در جریان انقلاب دو شکل حکومت، دو نوع جنگ و دو ارتش جدا از هم و در مقابل هم دیده میشود. یکی انقلابی است و از مردم سرچشمه می گیرد و دیگری ضد انقلابی است. از بالا درست شده و تحمیل می شود.

ارتش خلق طی مبارزاتی طولانی بر اساس خدمت داوطلبانه تشکیل می شود. تمام کادرها و سربازان در هدفهای مبارزه خود و در چهارچوب خواسته های طبقاتی خود با هم متحد میشوند و با ورود جوانان پیشاهنگی که بخاطر طوطی داوطلبانه وارد ارتش شده اند رشد می یابد و گسترش پیدای می کند.

ارتش خلق از نبرد مردم بر علیه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن جدا نیست و با تکیه بر شور انقلابی و شرکت مردم و پشتیبانی آنها، هم به هنگام صلح و هم به هنگام جنگ هر لحظه میتواند وظیفه اش را که دفاع از صلح و میهن است انجام دهد. دفاع از انقلاب تدارک و آماده شدن برای درهم شکستن هر نوع نوطه امپریالیسم و محو کامل سلطه آن جز با ارتشی انقلابی امکان پذیر نیست.

ارتش خلق از زحمتکشان تشکیل میشود. ارتشی است که استخوان بندی آنرا کارگران و دهقانان تشکیل می دهند و بهترین عناصر طبقات انقلابی را در خود جای می دهد. بیش از همه طبقه کارگر و دهقانان در آن شرکت دارند، از

همه ملتهبا عضو گیری می کند، ابزاری در خدمت مبارزه انقلابی برای رها سازی طبقه کارگر از هرگونه ستم و استعمار است. ارتش خلق قدرت مسلح دولت دیکتاتیک خلق را تشکیل می دهد و از حاکمیت خلق در برابر دشمنان داخلی و خارجی دفاع می کند. عملیات ارتش خلق همان عملیات طبقه کارگر است. از این رو هدف مبارزه اش در بیکار علیه امپریالیسم و وابستگیش همان هدفهای طبقه کارگر و خلق است. یعنی: نابودی امپریالیسم و نوکرتانان و ایجاد کشوری آباد و آزاد که همه مردم و خلقها بطور مساوی در صلح، بدون استعمار انسان از انسان در کنار هم زندگی کنند.

ارتش خلق، حقیقتاً فرزند خلق است و خلق به سهم خود از هیچ گونه کمک و پشتیبانی نسبت به آن فروگذار نمی کند. منبع انرژی و قدرت ارتش خلق در همین مسئله نهفته است. ارتش خلق از این امر غافل نیست که با مردم کشور روابط و مناسبات خوبی برقرار کند، زیرا هر دو دارای یک هدف اند. خلق و ارتش خلق قلب واقعی مبارزه علیه دشمن به خاطر رهایی مردم و طبقه کارگرند. ارتش خلق از مردم و مردم از ارتش خلق اند. ارتش خلق درجهبها

سسی میگذرد، از منافع خلق در مقابل امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن دفاع می کند. در امر آموزش مردم همکاری می کند و خلاصه هر آنچه از دستش بر می آید برای مردم به بهترین وجهی انجام می دهد. در برخورد با مردم و تماس با آنان ارتش خلقی این مسائل را رعایت می کند: احترام به خلق، پشتیبانی از خلق و دفاع از خلق، و فقط به این ترتیب است که میتوانست از پشتیبانی خلق برخوردار شود. فقط به این ترتیب است که خلق و ارتش می توانند رابطه ای جدائی ناپذیر

ارتش خلق از زحمتکشان تشکیل میشود. ارتشی است که استخوان بندی آنرا کارگران و دهقانان تشکیل می دهند و بهترین عناصر طبقات انقلابی را در خود جای می دهد. بیش از همه طبقه کارگر و دهقانان در آن شرکت دارند، از

گزارشی از یک بازجویی در کمیته اسلامی بناب

از بیان دو آب عازم تبریز بودیم. در شهرستان بناب، افراد کمیته انقلاب جلوی ماشین را گرفتند. از نحوه تجسس و رفتارشان معلوم بود که دنبال اعلامیه و جزوه می گشتند. نشریه "کار فوق العاده" و یک جزوه درباره انقلابهای فوریه و اکتبر، از داخل ماشین ما برداشتنند و بخاطر آن ما را دستگیر کردند و به "کمیته" بردند. حمل و حتی خواندن اعلامیه های

دو تن از همراهانمان را پشت زبیر ضربات مشت و لگد و قنداق تنگ و کابل گرفتند. از صبح تا عصر در کمیته بودیم، سر نشیمان دو اتومبیل دیگر را هم به جرم داشتن اعلامیه دستگیر کردند. مردی که اسمش "آقا شیخ مصطفی" بود از ما خواست تعهدی بنویسیم که دیگر گزار حمل و حتی خواندن اعلامیه های

حقوق و مزایای زحمتکشان به چه طریق خواهد بود، با گذشته چه فرقی خواهد داشت؟ آیا در قانون اساسی جمهوری اسلامی تمام این مسائل روشن خواهد شد؟ آیا با آنکه در جمهوری آینده میتوانست مثل سابق به کار خود ادامه دهند، آیا ملی خواهند شد یا نه؟"

"ما میگوئیم هر مرام و مسلکی که می خواهد در این مملکت باشد، باید منافع توأم کارگر را در نظر بگیرد. هر دینی باشد، فرقی نمیکند، مسئله منافع مردم ماست. اگر جمهوری اسلامی منافع مارا تا همین میزند چه بهتر، جمهوری اسلام باشد. اگر جمهوری دیگری میخواهد منافع مارا تا همین کند باشد. مهم اینست که ما بفهمیم چه کسی واقعا "میخواهد منافع مارا تا همین کند."

بهم داشته باشند. در هنگام صلح ستونهای نظم ارتش خلق در ساختن و تعمیر راههای ارتباطی، استفاده از زمینهای بایر برای ایجاد مزارع کشاورزی شرکت در امور تولیدی، مبارزه علیه طفیان آب، سیل و خشکسالی شرکت فعال می کند. شوراها و منتهج کادریهای ارتش خلق است که فرماندهان و قوانین و مقررات آن را تعیین می کند. این شوراها به شیوه آزادانه و با شرکت همه کادریهای ارتش انتخاب می گردد، روی این اصل ارتش خلق ارتشی دیکر-اتیک است. و بنابه سازماندهی خاص آن از افرادی ترکیب یافته که کاملاً آزادانه برای انقلاب مردم مصمم شده اند و برای تامین منافع و خواسته های مردم مبارزه می کنند و از آزادی و دیکر-اسی آنان دفاع می کنند. اصول دیکر-اتیک رهبری که در درون ارتش خلق حاکم است انضباطی آهنگین را به وجود می آورد. این نظم و انضباط ارتش خلق آگاهانه و آزادانه است. در درون ارتش خلق بین کادرها مناسبات متقابل رفیقانه ای برقرار خواهد بود. افسران و سربازان که خود از کارگران و دهقانان منشاء گرفته اند همانند آنان، نماینده شرکت بی دریغ در تحقق آرمان مردم و طبقه کارگر و منافع و خواسته های آنانند. تجربه نشان داده که هر چه بیشتر در درون ارتش خلق دیکراسی به تحقق پیوندد، روحیه همبستگی درونی و نظم و انضباط نیز تقویت خواهد یافت. دستورات آسانتر اجرا می شود و روحیه رزمندگی ارتش نیز در دفاع از مردم و منافع آنها افزایش می یابد. تاریخ نشان داده است که یک ارتش خلقی که همبست و اسلحه کافی ندارد و برای امر عادلانه ای مبارزه می کند و استراتژی و تاکتیک صحیحی بکار می برد، عملاً در موقعیتی قرار می گیرد که بر ارتش مدرن امپریالیست متجاوز و دارو دسته وابسته به آنها پیروز گردد.

"با استفاده از تجربیات رفقای و پیمانهای"

فرقی خواهد داشت؟ آیا در قانون اساسی جمهوری اسلامی تمام این مسائل روشن خواهد شد؟ آیا با آنکه در جمهوری آینده میتوانست مثل سابق به کار خود ادامه دهند، آیا ملی خواهند شد یا نه؟"

"ما میگوئیم هر مرام و مسلکی که می خواهد در این مملکت باشد، باید منافع توأم کارگر را در نظر بگیرد. هر دینی باشد، فرقی نمیکند، مسئله منافع مردم ماست. اگر جمهوری اسلامی منافع مارا تا همین میزند چه بهتر، جمهوری اسلام باشد. اگر جمهوری دیگری میخواهد منافع مارا تا همین کند باشد. مهم اینست که ما بفهمیم چه کسی واقعا "میخواهد منافع مارا تا همین کند."

پالایشگاه نفت پارس تحصن موفقیت آمیز کارگران

تهران - در تاریخ بیست و هفتم اسفند کارگران پالایشگاه نفت پارس که نسبت به کاهش سود ویژه خود در مقایسه با سال گذشته اعتراض داشتند در محل کار خود متحصن شدند. بالاخره پس از مذاکراتی که در روز بیست و هشتم صورت گرفت رئیس کارخانه توافق کرد که سود امسال کارگران را بر مبنای سال گذشته و با حقوق امسال پرداخت نماید.

وام کارگری به مصارف غیر کارگری میرسد

خرم آباد - مبلغ ۹۰۰۰۰۰ ریال وام وزارت کار که اخیراً به کارگران خرم آباد اختصاص داده شده است به کمیته اسلامی خرم آباد فرستاده شده و به مصارف غیر کارگری رسیده است. با توجه به اینکه کمیته اسلامی خرم آباد خود را در مقابل کارگران مسئول می داند معلوم نیست به چه دلیل اعتبار دولت که برای کارگران در نظر گرفته شده بود، در اختیار این کمیته گذاشته شده است.

سیاست ضد کارگری بعضی از کمیته های اسلامی

در حال حاضر در اکثر کارخانه ها و موسسات تولیدی، کمیته های اسلامی برای کنترل و اداره نظم کارخانه ها تشکیل شده است. در بعضی از این کمیته های اسلامی تلاشهایی برای زیر پا گذاشتن حقوق کارگران و سرکوب روحیه حق طلبی آنان صورت میگیرد. در شرایطی که از یک سو سنگینی دولت، کارگران فعال و مبارز را ضد انقلابی میخواند و خواهان دستگیری و مجازاتشان میشود و از سوی دیگر برخی کمیته های اسلامی شیوه های غیر مردمی گذشته را تکرار میکنند، طبعاً عناصر ضد انقلابی در درون کارخانه فرصت پیدا می کنند نام کمیته اسلامی را بهانه قراردادها و زهر موقعیتی استفاده کنند تا با ارباب و سرکوب کارگران حقوق آنان را پایمال کنند.

اعلامیه کمیته اسلامی شرکت پشم شیشه ایران که عیناً در زیر چاپ می شود نمونه گویایی از این تلاشهای ضد انقلابی است.

بسم تعالی
بنایه امر امام و دولت وزارت کار کلیه اختلافات کارگری بابت در وزارت کار و با حضور نماینده صلاحیتدار آن وزارت خانه انجام شود. لذا قویاً از کارگران اخراجی خواسته میشود که از مراجعه به کارخانه خودداری کنند. در صورت عدم مراعات این امر نام و آدرس هر کدام از کارگران احلالگر که مانع انجام کار صحیح شرکت چه در داخل و چه در خارج کارخانه شوند به کمیته امام داده خواهد شد تا بعنوان افراد ضد انقلاب مورد رسیدگی قرار گیرد.

کمیته اسلامی شرکت پشم شیشه
تهران ۱۳۵۷/۱۲/۲۸

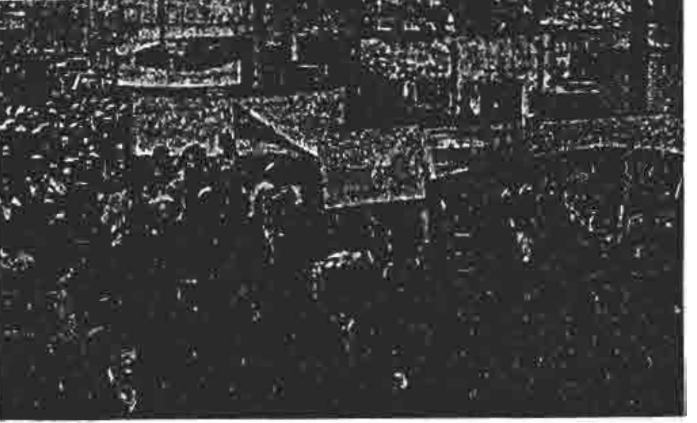
اتحاد کارگران تنها عامل پیروزی

رامسر
در تاریخ ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ اسفند ماه سال ۵۷ کارگران شهرداری رامسر که تعداد آنها حدود ۷۰ تا ۸۰ نفر بود، برای گرفتن حقوق عقب افتاده و پاداش وعیدی و پول لباس خود، جلوی شهرداری رامسر دست به تحصن زدند. کارگران پس از سه روز نواستند قسمتی از حقوق خود را دریافت کنند و پرداخت بقیه به بعد از مرخصی ایام عید موکول شد. در همان روز اول کارگران شرکت تراست (شرکت آبارنما سازی) پس از اطلاع از این تحصن، با آنکه خود در حال اعتصاب بودند، برای اعلام همستگی، به کارگران شهرداری پیوستند. کارگران با مبارزه خود به سرکساز باز گشتند. گروهی از کارگران اخراجی سازی - گروهی از کارگران اخراجی زاهدان - کارگران شرکت مانای زاهدان ضمن اعلام پشتیبانی خود از خواسته های برحق همه کارگران، خواسته های خود را طوسی قطعنامه ای تنظیم کردند. در این قطعنامه از جمله به مسئله پرداخت حقوق کلیه کارگران اعم از اخراجی و

به خواستهای کارگران باید پاسخ مثبت داده شود

زاهدان - کارگران شرکت مانای زاهدان ضمن اعلام پشتیبانی خود از خواسته های برحق همه کارگران، خواسته های خود را طوسی قطعنامه ای تنظیم کردند. در این قطعنامه از جمله به مسئله پرداخت حقوق کلیه کارگران اعم از اخراجی و

راهپیمائی بزرگ کارگران اخراجی و بیکار مهاباد



کارگران اخراجی و بیکار مهاباد روز پنجشنبه فروردین ماه در یک راهپیمائی بزرگ شرکت کردند و ضمن اعلام همستگی با سایر کارگران ایران طی قطعنامه ای خواستهای خود را مطرح نمودند. بخشی از این قطعنامه چنین است: " اینک که انقلاب ایران توسط عده ای پاپان با نفع نلغی میشود، ما کارگران بیکار مهاباد، عملاً بیسری در زندگی خود احساس نمی کنیم. ما هنوز هم بیکاریم و بدست کار میگردیم. ما کارگران بیکار مهاباد را اعلام کردیم. خواستهای خود را معامات مسئول مصرانه می خواهیم. برای اینکه خون پهدای خون خفته ما هدر نرفته باشد، به مدای حق طلبانه ما پاسخ مثبت دهند. ما از تمام نیروهای انقلابی و مبارزی که خود را طرفدار کارگران و دهقانان میدانند، میخواهیم که برای رسیدن به حقمان ما را یاری رسانند. ما ضمن اعلام همستگی با خواستهای سایر کارگران ایران خواستهای خود را به این ترتیب اعلام می داریم:

- ۱- تمام کارگران اخراجی به سرکار خود بازگردند.
- ۲- حقوق عقب افتاده کارگران سی کم و کاست پرداخت شود.
- ۳- ایجاد کارخانه و شرکت در منطقه جهت اشتغال برای بیکاران.
- ۴- ایجاد صندوق بیکاری از طرف دولت برای پرداخت حقوق کارگر در مواقع بیکاری و پرداخت وام شخصی بدون بهره به کارگران.
- ۵- تأمین مسکن برای تمام کارگران.
- ۶- لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه واران کارمندان جز به بانکها و موسسات دولتی.
- ۷- طرح پیشنهادی دولت درباره چگونگی پرداخت وام بیکاران را رد می کنیم، چون شرایطی مانند ازهر خانواده به یک نفر و تبلیغ محدود و شرایط سنی تا ۲۶ تا ۶۰ سال کاملاً ضد کارگری است.

ما وعده نمی خواهیم، ما کار نمیخواهیم

این روزها از همه جا خبر از اعتراضات وسیع کارگران بیکار میرسد. تا چندین پیش که کسب و کار رونق داشت، سرمایه داران برای بریدن سودهای کلان کارگران را استثمار میکردند و از نمره کار آنها میلیونها تومان ثروت می اندوختند. کارگران انتظار داشتند که با انقلاب وضع آنها بهتر شود، اما اکنون یک میلیون کارگر بیکار وجود دارد. چرا دولت در مورد کارگران بیکار تصمیم جدی نمی گیرد؟ دولت باید سریعاً در جهت بازگرداندن کارگران بیکار به سرکار خود اقدام کند. کارگران که ستون اصلی انقلاب بودند، امروزه بیش از همه اقشار و طبقات باید مورد توجه قرار گیرند. اما در عمل چنین نیست. بقول یکی از کارگران که در راهپیمائی کارگران بیکار شرکت داشت " کارگرانی که در حین انقلاب سینهی خود را سپر گلوله کردند باید بیکار باشند و حال آنکه کسانی که به روی مردم آتش می کشوند حقوق و مزایا و خواربار بگیرند. " اخبار مندرج در این صفحه خود بیان کننده این امر است. دستمزد هستیم.

- ۱- ما خواهان بیکاری در اصفهان که عمدتاً در بخش ساختمانی در محل شرکت های سازنده کارخانه های بل هلیکوپتر - جی - ای - بی - پلی - اکرین، فلور و چند شرکت دیگر کار میکرده اند، مدتی است که بیکار شده اند. طبق گزارش رسیده از اصفهان در ششم فروردین حدود ۷۰۰۰ نفر از کارگران بیکار با دادن شعارهایی مانند " حقوق کارگر پرداخت گردد، نباید کارگر اخراج گردد " و " ما وعده نمی خواهیم، ما کار نمیخواهیم " بطرف اداره کار راهپیمائی نمودند. آنها قبلاً طی قطعنامه ای خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده بودند:
- ۱- برسمیت شناختن شورای کارگران بیکار که در صدد تشکیل آن هستیم.
- ۲- عدم جلوگیری از اجتماعات کارگران بیکار از طرف هر مقام و نیروی.
- ۳- ما خواهان دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده مان بر مبنای آخرین هستیم.
- ۴- ما خواهان دگرگونی در قوانین فعلی کار که مدافع منافع کارفرمایان است هستیم.
- ۵- ما خواهان آن هستیم که هر قانون یا تصویب نامه ای در مورد کار و کارگری با نظر نمایندگان واقعی و منتخب کارگری (که در محیطی آزاد و بدون اعمال نظر گروهی خاص انتخاب میشوند) باشد.
- ۶- آزادی اعتراضات و قانونی بودن اعتصابات.
- ۷- اخراج کلیه سرمایه داران - کارشناسان خارجی و مصادره اموال آنها به نفع کارگران.
- ۸- در نظر گرفتن ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل بودن روزهای پنجشنبه و جمعه.
- ۹- ما مخالفت خود را با کلیه شرایط و ضوابط " وام کارگران بیکار " اعلام می داریم. زیرا این وام کارگشا نبوده و شامل همه گروههای کارگری نمیباشد.

بازگشت موفقیت آمیز کارگران برسرکار

تهران - بدستال تحصن کارگران شرکت فسان در محل دفتر شرکت واقع در آنتول فرانس در ششم فروردین، طی جلسه ای که روز بعد با حضور کارگران نمایندگان وزارت کار و دو تن از مدیران شرکت برگزار شد، خواستهای کارگران مورد بررسی قرار گرفت. از جمله پیرویهایی که کارگران بدان دست یافتند:

- ۱- کارفرما موافقت نمود کارگری را که از اول مهرماه ۵۷ بعد از کار اخراج و یا مفاصا حساب نموده اند مجدداً با شرایط قبلی به کار بگمارد و دستمزد آنهارا به میزان دریافت های قبلی پرداخت نماید.
- ۲- قرار شد به کارگرانی که حقوق و مزایای آنها کمتر از بیست هزار ریال میباشد معادل صد درصد بدهی کارگرانی که بیش از بیست هزار ریال میباشد ۷۵٪ بعداً در مقابل اخذ رسید پرداخت نماید.

عناصر مرتجع به کارگران متحصن حمله ور شدند

خرم آباد - در تاریخ نهم فروردین، جمعی از کارگزاران و دیپلمه های بیکار در استان خرم آباد متحصن شدند و خواستار برآورده شدن خواستهای خود از جمله امکان اشتغال برای بیکاران، ایجاد صندوق بیکاری، لغو قانون کار سابق، قطع هر گونه پارتنری بازی در محیط کار و ادارات، تعیین مکان معینی برای تجمع بیکاران، اخراج افراد خارجی و استخدام افراد ایرانی به جای آنها شدند. اما تعدادی از عناصر مرتجع از اقدامات و حشیانه خود برداشتند.

چه هنرمندانی از واقعیت می‌گیرند؟

پیش از آنکه بحث خود را در مورد ادبیات کارگری ادامه دهیم لازم است به سئوالی که ممکن است تا بحال پیش آمده باشد پاسخ کوتاهی بدهیم. ما گفتیم که یکی از خصوصیات هنر این است که هدفی دارد و پیامی در آن هست. قبل از آن هم گفته بودیم که برای بوجود آوردن هر اثر هنری اجباراً باید از واقعیت الهام گرفت. این دو موضوع ممکن است با ما را دچار اشتباه کند و فکر کنیم که سنابراین آثار هنری و ادبی همه خوب هستند و بهتر باید تر بودن آنها فقط بستگی به درجه ذوق و استعداد هنرمند دارد.

ولی ماهیچوقت نباید فراموش کنیم که هنرمند هاهم مثل بقیه مردم به طبقات مختلف تعلق دارند و هر کدام از منافع طبقه خودشان دفاع میکند. ما قبلاً هم این موضوع را توضیح داده بودیم. درست است که در هنر هنری، هدف و پیامی هست، اما چه هدف یا پیامی و در جهت منافع کدام طبقه؟ درست است که برای بوجود آوردن هنر اجباراً باید از واقعیت الهام گرفت، اما آیا هنرمند به واقعیتی که الهام بخش او بوده وفادار مانده؟ یا به آن پشت کرده و واقعیت را به یک چیز غیر واقعی و مسخ شده تبدیل کرده است؟ این هاستند که روشن میکنند انواع هنر و ادبیات چه تفاوت‌هایی باهم دارند و کدام نوع آن در جهت منافع توده های مردم و زحمتکشان است.

در اینجا هم مانند شماره قبل می بینیم که همه انواع هنر و ادبیات و سبک ها و شیوه های مختلف به دو گروه عمده تقسیم میشوند:

"واقع گرا" (رئالیست) و "واقع گریز" یا "سند رئالیست". ما گفته بودیم که در این ستون (که ادبیات کارگری است) طبعاً "واقع گرا" و "رئالیست" است. کاری با گروه دوم یعنی هنر و ادبیات به دور از واقعیت و ضد رئالیست نداریم. اما لازم میدانیم پیش از پرداختن به واقع گرائی که در آینده به طور منظم درباره آن صحبت خواهیم کرد، کمی توضیح بدهیم که اصولاً فرار از واقعیت چه معنی و چه لزومی دارد؟ ما گفته بودیم که بعضی از هنرمندان از واقعیت بدشان می آید یا آنرا با منافع خودشان در تضاد می بینند و چون امکان اصلاح آن را هم ندارند به آن پشت میکنند و از آن می گریزند. اما این چیزی است که به نظر آدم عجیب می آید و این سئوال مطرح میشود که چرا باید این طور باشد؟ بهتر است ببینیم آیا اصولاً واقعیت چیست و چه خصوصیتی دارد که با منافع بعضی ها جور در نمی آید و از آن فرار میکنند.

مهمترین خصوصیت واقعیت این است که ثابت نیست و همیشه در حال حرکت و تغییر است. حتی سنگ هم تغییر میکند و به مواد مختلف معدنی تبدیل میشود. آهن هم رنگ میزند و عوض میشود. هیچ چیزی در دنیا نیست که دائم در حال حرکت و تغییر نباشد. اما آیا همه با این حرکت و تغییر موافقت میکنند؟ اگر تغییر یک چیز به معنای بهتر شدن و تکامل پیدا کردن آن باشد، ما باید با آن موافق باشیم. مثلاً سنگ آهن به خودی خود هیچ خاصیتی ندارد اما وقتی در کوره ذوب آهن می افتد، تغییر پیدا میکند و تبدیل به چیز بهتر و مفید تری میشود. اما اگر آهن بخواید رنگ بزنند ما باید با این تغییر مخالفت کنیم. به همین دلیل است که ما روی وسائل آهنی رنگ میزنیم و سعی میکنیم از رنگ زدن آنها جلوگیری کنیم.

اگر در مورد جامعه صحبت کنیم، میبینیم که طبقات مختلف جامعه در مورد تغییر جامعه، نظر واحدی ندارند. مثلاً یک کارگری چیز و یک سرمایه دار در مورد خور و پولدار را در نظر بگیرد. فقر آن اولی و ثروت این دومی، هر کدام یک واقعیت است که باید تغییر کند. یعنی در واقع آن جامعه ای که عده ای را فقیر و عده ای را ثروتمند میکند، باید تغییر کند. آن کارگری چیز قطعاً به تغییر اعتقاد دارد و آنرا تأیید میکند و در راه آن مبارزه هم میکند تا وضع خودش را تغییر بدهد و بهتر کند. اما آیا دومی یعنی آن سرمایه دار هم با تغییر موافق است؟ مسلماً نیست. او برعکس حاضر است مبارزه کند تا جلوی حرکت و تغییر را بگیرد و وضع موجود را حفظ کند. تا منافع خودش هم حفظ شود. پس میبینیم که واقعیت چیزهایی دارد که سبب میشود بعضی ها از آن بدشان بیاید، اگر زورشان رسید با آن مبارزه کنند و اگر نرسید از آن فرار کنند و نادیده اش بگیرند.

البته هنرمندانی که از واقعیت فرار میکنند همه آدمهای مفت - خور و پولداری نیستند بعضی از آنها آدمهای محرومی هستند که زندگی دشواری دارند و از ناسامانیها و تبعیضات و فساد جامعه رنج میبرند. اما آنها با یاوران نمیشود که تغییر وضع جامعه ممکن است و فکر میکنند تا ابداً وضع جامعه همسفر خواهد بود، و یا اینکه نمیدانند اگر وضع جامعه تغییر کند چه چیزی از آن آید و چون شناختی از آینده ندارند در نتیجه باز هم مثل کرم نسبت به تغییر شرایط، خوشبین نیستند.

از کارگر به بزرگر

ترجمه از متن ترکمنی

از کارگر به بزرگر

بزرگر، بزرگر، بزرگر

به توفاتخار میکنیم

تکیه به کاروتوان توداریم

خاک سپاه به دست تست که سبزمشود

پنبه زارها مان به نیروی تست که سپدمشود

توبخند، باخنده تست که غنچه هامان میشکند

به غنچه های شکفته باخنده تومینازیم

مینازیم به دست های بریده از داس تو

به پاهای چرکین تو که زخم سنگ دارد

به صورت سوخته در آفتاب تو

به چین های صورت تومینازیم

بزرگر، اگر چه آلودنک تواز فقر سپاه است

گرچه کمرت در زیر کار سخت، چون گمان است

اما در سینه تو قلبی سپید و صبرمان است که میجوشد

به قلب سپید همیشه جوشان تومینازیم

بزرگر، تو بخاطر نمی آوری خستگی رابه هنگام کار

اگر کسی بگوید: "خسته نباشی"

بازی افزاشته، خندان، پاسخ میدهی: "زنده باشی"

به لب های همیشه خندان تومینازیم

بزرگر، تو مایه افتخار ما هستی

ورهای تو همیشه خواسته ماست

و تنها تو در روزهای سخت

باور و بار ما هستی

به داشتن باوری چون تومینازیم

(از: ترکمن اوغلی)

بقیه از صفحه اول

اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

شرایط زندگی کارگران امریکا بسیار وحشتناک بود. کارگران با مزد بخور و نمیری، بیش از ۱۴ ساعت کار میکردند و روز کار در مواردی حتی به ۱۸ ساعت هم می رسید. سرمایه داران با بکار بستن انواع حيله ها و حقه ها و با تکیه بر قوانین ضد کارگری، به دلایلی مانند دیر آمدن سرکار، حرف زدن موقع کار و یا "بدرفتاری" مرتباً کارگران را جریمه می کردند. طولانی بودن ساعات کار و شرایط سخت زندگی، جان کارگران را به لب رسانیده بود. سرمایه داران در تبلیغات خود امریکا را بهشتی روی زمین معرفی می کردند، در حالیکه برای کارگران امریکا جهنم روی زمین بود. در چنین اوضاع و احوالی موج اعتراضات و ناراضی های کارگری به اوج خود رسید و اعتصابات و تظاهرات کارگری تمام امریکا را فراگرفت. در سال ۱۸۸۶ بیش از شصدهزار نفر در اعتصابات شرکت کردند. فقط در اول ماه مه چهارصد هزار نفر با شعار "هشت ساعت کار در روز" به تظاهرات پرداختند. تظاهرات کارگران در شیکاگو به وسیله پلیس به خون کشیده شد و چهار نفر از کارگران به قتل رسیدند. در چهارم ماه مه در تظاهراتی که کارگران علیه خشونت پلیس برپا کرده بودند، بمبی از طرف یکی از عوامل ارتجاع به میان تظاهر کنندگان پرتاب شد که موجب کشته شدن عده زیادی از کارگران و یک پلیس شد. بهانه مناسبی برای سرکوب جنبش کارگری به دست سرمایه داران افتاد: زندانها از کارگران پر شد و رهبران آنها را به محاکمه کشیدند. دادگاه بدون هیچ مدرکی، چهار نفر از رهبران جنبش را به اعدام محکوم کرد. پایبندی و مقاومت رهبران جنبش در دادگاه، نشان دهنده روحیه انقلابی و شکست ناپذیر آنان در دفاع از آرمان طبقه کارگر بود. یکی از محکومین وقتی به پای چوبه دار می رفت فریاد کشید: "صدای کارگر را نمیتوان خفه کرد".

بوروکراسی رهبران جنبش کارگری را کشت و کشتی نتوانست جنبش کارگری را نابود سازد. اعدام این عده با اعتراض و خشم و نفرت تمام کارگران دنیا روبرو شد. سه سال بعد اولین کنفرانس بین الملل دوم به مناسبت بزرگداشت تظاهرات اول ماه مه شیکاگو تصمیم گرفت روز اول ماه مه را روز همبستگی کارگران جهان اعلام نماید. از همان ابتدا برگزاری اول ماه مه با مخالفت شدید سرمایه داران روبرو شد، ولی کارگران جهان با مبارزه خود در این روز دست از کار کشیدند و مراسم اول ماه مه را برگزار می کردند. در ایران برای اولین بار در سال ۱۲۹۹ کارگران روز اول ماه مه را جشن گرفتند. بعدها در شرایط خفقان حکومت رضا خانی، کارگران باز این جشن را مخفیانه در شهرهای تهران، تبریز، مشهد و... برگزار کردند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که محیط مناسب تری برای فعالیت سازمانهای کارگری به وجود آمده بود، جشن اول ماه مه همراه با تظاهرات وسیعی از طرف کارگران برگزار شد. در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول ماه مه دوپست و پنجاه هزار تن شرکت کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد کارگران رزمنده، بطور مخفیانه این روز فرخنده را جشن می گرفتند. اول ماه مه امسال برای کارگران ایران اهمیت خاصی دارد. زیرا پس از ۲۵ سال دیکتاتوری شاه برای اولین مرتبه میتوانند این روز را بطور علنی برگزار کنند.

"گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران"
"مستحکم باد اتحاد کارگران سراسر جهان"

ضمن دعوت همه رفقا به همکاری و طرح نظرات خود، از دوستانی که آثار خود را برای ما می فرستند، خواهش میکنیم:
۱- شغل خود را بنویسند.
۲- نام مستعاری برای خود تعیین نکنند و همراه اثر بفرستند تا در صورت امکان با همان نام چاپ شود.

نشان

ستاره ای سرخ
بر پیشانی بلندش
از کردستان می آیم
از سرزمین عشایری آیم
دیروز، دست ماو چکش
امروز ما
مشت گره کرده، من بردهان استعداد
از تبریزی آیم
دیروز، دست من خسته
پای من بسته
ولی امروز ما
بارای جنگیدن بادشمن است
از شمال می آیم
داس را بر زمین می گذارم
با تفنگم در صف باران
م . م . م

در آثار این هنرمندان معمولاً باس و بدبینی و بی اعتقادی به انسان به چشم میخورد. آنها گاهی ناسامانیها و فساد جامعه و مشکلات دیگری را که در روابط میان انسانها وجود دارد، خیلی خوب توصیف میکنند اما نه علت هارا میتوانند ذکر کنند که چرا جامعه به این صورت درآمده و نه راه حلی برای اصلاح جامعه میباشند و در نتیجه وضع موجود را دائمی و همیشگی تصور میکنند و آنرا به تقدیر و سرنوشت یا به خوی و سرشت انسانها و نظایر آن نسبت میدهند. و تکیه کسی گوشه هائی از واقعیت را نشان دهد اما نتواند خوب روابط آنرا با بقیه مسائل نشان بدهد، و مسیر حرکت آن و تغییرات لازم را روشن کند، امکان دارد حاصل کار شبیه به همان کسانی باشد که آگاهانه برای حفظ منافع خودشان، واقعیت را تحریف میکنند.

حال که دانستیم عمدتاً چه کسانی به هنر و ادبیات دور از واقعیت یا "ضد رئالیستی" روی می آورند، میتوانیم از شماره بعد بطور منظم درباره هنر و ادبیات "واقع گرا" یا "رئالیست" که ادبیات کارگری نیز در رابطه با آن قرار دارد، صحبت کنیم.

چگونگی تشکیل شورای کارگران در کارخانه کلوکزان قزوین

بقیه از صفحه اول

به نتیجه مشخص جمع شوند. همه به غذاخوری رفتند. جلسه تشکیل شد. بسیاری از کارگران صحبت کردند. جلسه خلوغ بود و کارگران حرف یکدیگر را قطع میکردند. قرار شد یک نفر اداره جلسه را به عهده بگیرد. ویکی دیگر از کارگران نیز نظریات را بنویسد. در این روز راه حلی پیدا نشد. روز بعد جلسه با حضور کلیه کارگران از سر گرفته شد. مدیر جلسه از تمام کارگران خواست که هر کس نظری دارد، بگوید. در مورد سرسیدن اربابان کارفرما و اداره حفاظت، اعتماد به کارگران و لزوم اتحاد و سپس مقاومت جمعی در برابر کارفرما صحبت شد. مدیر جلسه در جواب یکی از کارگران که سرپرست خود را موجب بدبختی خود میدانست گفت:

"باید بدانیم در اصل کارفرما بود که چنان وضعی را پدید آورده بود و هر جا که کارگران کار میکنند و کارفرماها سرمایه دارها داره شوره کار آنها را میخورند عدهای را بنام مدیر و سرپرست و فورسین استخدام میکنند تا از کارگران کاریکشند. ولی ما باید بدانیم که دشمن اصلی ما سرمایه دارها هستند، نه سرپرست ها." در پی صحبت های طولانی یکی از کارگران نتیجه گرفت "بنا بر این باید اداره کارخانه را خود در دست بگیریم و برای اینکه باید عدهای از خود ما انتخاب شوند و بدین ترتیب "شورای کارگران" مطرح شد.

کارگری نحوه انتخابات و خصوصیات انتخاب سونده را به دو زبان ترکی و فارسی توضیح داد و تاکید کرد که باید بدون ترس و واهمه کسانی را برای شورای انتخاب کرد که واقعا مدافع منافع کارگران باشند.

روز چهارشنبه انتخابات شروع شد. چون ۷۰٪ کارگران بی سواد بودند، قرار شد سه نفر از کارگران بی سواد انتخاب شوند و با سؤال از یک یک کارگران بی سواد درای آنها را روی کاغذ بنویسند. از توتون غذا بعنوان کارت رای گیری استفاده شد. رای گیری مخفی بود. بالاخره ۹ نفر که اکثریت آنها را داشتند به عنوان نمایندگان شورای کارگران اعلام شدند.

اولیه کارگران عقب نشینی کرد. بسیاری از خواستهها موافقت گردید و فرار شد چند نای آنها نیز در جلسه هیئت مدیره مطرح شود و چون برخی از خواستهها مربوط به قوانین مملکتی می شد، مثل چهل ساعت کار در هفته، قرار شد شورا مسئله را به صورت دیگر تعقیب نماید. با اینکه قرار شده بود هیچکس غیر از اعضا شورای کارگران صحبت نکند کانه صبر دوش از کارگران که یکی از آنها بهمدار هفت سال کار دستزدی حدود ۳۲۵ دلار میگرفت و دیگری دستزدی در حدود ۳۰۰ ریال داشت لبریز شد و شروع به بحث و جدل با کارفرما نمودند. بطوریکه هیچ تذکری آنها را خاموش نمود.

موفقیت ۵ میلیون

کارگران آلمانی

در هفته اول فروردین ماه کارگران آلمان غربی به موفقیت قابل توجهی در زمینه اضافه دستمزد نائل شدند. طی مذاکراتی که بین نمایندگان سه میلیون کارگر در تمام بخشها برگزار شد، دوب فولاد با کارفرمایان انجام گرفت. کارگران توانستند پیشنهادات اضافه دستمزد را به کارفرمایان بقبولانند.

صنای ۲/۲ میلیون کارگر و کارمندان پست و راه آهن، موفق شد به بالا بردن دستمزدشان به میزان چهار درصد و دو برابر کردن مرایای تعطیلات گردیدند. به این ترتیب ج اضافه دستمزد به ۴/۵ درصد رسید. کارگران بخش تولید مواد سمیاتی در مذاکرات جداگانه ای با کارفرمایان موفق شدند اضافه دستمزدی معادل ۴/۲ درصد ک

اخبار جهان

نارضائی عمومی کارگران فرانسه از بحران صنایع فولاد

کنفدراسون عمومی کارگران فرانسه روز ۳ فروردین تکلیفی از بررکتین راهیمایی های خود را در شهر پاریس برگزار کرد. هدف از این راهیمایی، اعتراض وسیع و توده ای به اجراج دهها هزار کارگر صنایع فولاد این کشور بود. تعداد شرکت کنندگان در راهیمایی به صدها هزار تن رسید و دهها هزار کارگر صنایع فولاد تیراز نقاط مختلف فرانسه برای شرکت در راهیمایی به پاریس آمده بودند.

از طرفی کارگران معادن آهن شمال، کارگران برق و گاز فرانسه، کارکنان بخشهای مختلف خدمات عمومی

کارگران صنایع فلز برزیل قاطعانه به اعتصاب خود ادامه میدهند

سندیکا فراهم کردند. منظور اعتراض به این اقدامات روز بعد تظاهراتی در شهر ساوپولوس برگزار شد. با وجود دخالت پلیس، تظاهر کنندگان اعلام کردند که تصمیم دارند تا دست یافتن به خواستههای فوری (پیشگیری از بیکاری و اضافه دستمزد) به اعتصاب ادامه دهند. از طرفی دولت، کارفرمایان و پیمانکاران از رهبران سندیکاها طی موافقت نامه ای حواستار قطع فوری اعتصاب شدند که در مجمع عمومی کارگران قاطعانه رد شد. اعمال خشونت علیه کارگران و سندیکاها مستهل کارگری در برزیل به وضوح نشان میدهد که تبلیغات همه جانبه رئیس جمهور جدید در مورد "آزادی" و ایجاد "فضای باز سیاسی" چیزی جز عوام فریبی نیست.

اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای پایمال کردن حقوق خلقهاست

خواستهای رانندگان، کارگران و رفتگران شهرداری شهرکرد

خواستهای رانندگان، کارگران و رفتگران شهرداری شهرکرد .

شهرکرد - رانندگان، کارگران و رفتگران شهرداری، طی قطعنامه‌ای خواستهای برحق خود را در ۱۲ ماده مطرح کرده و از دولت خواستند هر چه رودتر به آنها رسیدگی شود . مهمترین این خواستها عبارتند از :

- ۱- تشکیل شورای کارگران، رانندگان و رفتگران و انتخاب نماینده واقعی که به امور آنان رسیدگی کند .
- ۲- افزایش حقوق مطابق با افزایش هزینه زندگی و مساوی ادارات دیگر .
- ۳- تأمین بیمه های درمانی و بیمه بیکاری و بازنشستگی .
- ۴- مصدومین زمین های شهرداری که در دوران طاغوتی غصب شده اند و تقسیم آنان بین کارگران، رانندگان و رفتگران .
- ۵- افزایش حق مسکن .

نقو بدیهیهای روستائیان

خرم آباد - کد و رزان و اهالی روستاهای دره سالی، گرشیرخان، گرشیرخان دو، گرشیرخان چهار، شراب کی میرزاوند علاوهی سه ده دیگر، در قطعنامه ای ضمن تاکید بر استعمار و اجحافی که در دوران رژیم منغورپهلوی اعمال می شد و بخصوص در رابطه با مبارزات حق طلبانه اخیر مردم که در آن خونهای فراوانی نثار شد، خواستهای خود را در ۹ مورد اعلام کردند که مهمترین آنها را این قرار است :

- ۱- رسیدگی هر چه فوری تر به وضع آب این منطقه که از هشت کیلومتری بندر ترکمن - روز چهارشنبه ۸ فروردین ساعت ۳ بعد از ظهر حدود ۲۰ هزار نفر از مردم بندر ترکمن برای یشتسانی از حقوق ملی و دمکراتیک خلق ترکمن در یک راهپیمایی شرکت کردند . تظاهر کنندگان کشتار خلق ترکمن را محکوم کرده و شعارهای زیر را میدادند :

همبستگی مردم رضوان شهر (طالب) با خلق های کرد و ترکمن

" پدران، مادران، به میدان سائید " (بزبان ترکمنی) .
تظاهر کنندگان یکپارچه آزادی کلبه - تکبر شدگان در ترکمن صحرا را خواستار بودند . آنان خواهان آزادی فعالیت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن شدند .



صحنه ای از مبارزات مردم سنجند که سرانجام به تشکیل شورای موقت منجر شد

تقسیم عادلانه و انقلابی زمین، خواست کشاورزان است

کشاورزان قریه نظام آباد از دهات منطقه دشت سر آمل در قطعنامه ای که تنظیم کرده اند ضمن اشاره به مبارزات اخیر، جانفشانی هزاران شهید و کشته شدن دست زورگویان، خواستهای خود را که در صدر آن تقسیم عادلانه و انقلابی زمین است، مطرح کردند . دیگر سر

عرضه کرد . سرانجام پلیس اسرائیل به اوشکوک نند او را دستگیر کرد . اسقف کاپوچی انواع اقسام شکنجه هارا متحمل شد و به ۱۱ سال زندان محکوم گردید . فشار افکار عمومی دنیا و فعالیتهای جنبه آزادیبخش فلسطین دولت اسرائیل را مجبور ساخت که اسقف کاپوچی را پس از سه سال که در زندان ماند به خارج از خاورمیانه تبعید کند . از هنگام آزادی هم ، اسقف کاپوچی لحظه ای از فعالیت برای به ثمر رسانیدن انقلاب فلسطین غافل نماند . در مراسم استقبال از اسقف کاپوچی در مرودگاه مهرآباد فرستاده سازمان ما ضمن گفتن خوش آمد به این مبارز بزرگ، شهادت و پایداری او را در

زندانیهای صهیونیستی اسرائیل و اراده او را در نادیده انگاشتن مقررات تبعید امیربالیستی که بازگشتش را به خاورمیانه منع میکرد ، مورد تمجید قرارداد . فرستاده سازمان همچنین گفت : " خوشحالیم که اکنون ترادرنکار خود در ایران می بینیم " . اسقف کاپوچی در پاسخ سخنان فرستاده سازمان، اظهار داشت : " انقلاب خلقهای جهان از هم جدائی ناپذیر است . فلسطین، ایران و هر کشور دیگر در این منطقه از جهان پوهر کجای دیگر که مبارزه هست و آزادی تحقق مییابد، میهن من است . انقلاب شما انقلاب ماست ، انقلاب ما ، انقلاب شما است " .

راهپیمایی بیست هزار نفری در دفاع از خلق ترکمن

بندبال توطئه های ارتجاع و امیربالیسم در سنجند و سرکوب مبارزان کرد و ترکمن بیش از ۸۰ هزار جوانان طالبش در زوژ هشتم فروردین ، طی یک راهپیمایی همبستگی خود را با خلق های کرد و ترکمن و پشتیبانی از خواستهای به حق

تظاهرات مردم شهر و حومه کرد

مردم کرد غرب روز هشتم فروردین پس از اشاره به ستم ملی و طبقاتی که سالیان دراز به خلق کرد اعمال میشد و مبارزه دلیرانه ای که خلق کرد در دو نواوش تمام خلقهای ایران در جنبش رهائی بخش داشته اند ، طی قطعنامه ای اعلام داشتند :

" ما مردم تحت ستم کرد غرب و حومه ، گوران ، غلخانی ، بیونج ، گواره ، چرخاب ، بان زرده ، حریرو سایر روستاهای تابع کرد ، خود را جز لاینفک خلق کرد دانسته و از حقوق

اعتراض عده ای از دهقانان قزوین

سازمان عمران قزوین ۵۷/۱۲/۲۲ از تاریخ ۵۸/۱/۱۵ حقوقشان پرداخت شود و علت عفت افتادن پرداخت را بداشتن پول عنوان کرد . در حالیکه با همین وضع حقوق کارمندان پرداخت شده است . باغداران از این موضوع مطلع بودند و اعتراض کردند . حقوق این باغداران بعد از ۱۵ سال سابقه کار ۱۲۰۰ تومان است . باغداران چهار نفر نامانده انتخاب کرده اند که به تهران اعزام نمایند .

اسقف کاپوچی :

"هرجای جهان که در آن مبارزه آزادیبخش

ادامه دارد آنجا وطن من است"

عصر یکشنبه ۱۲ فروردین اسقف هیلارین کاپوچی مبارز دلیر و نایب قدیمی که زندگی خود را وقف انقلاب فلسطین کرده است به مهن ما آمد . اسقف کاپوچی عضو افتخاری سازمان الفتح مرودگاه مهرآباد به فرستاده سازمان ما گفت :

"هرجای جهان که در آن مبارزه آزادیبخش ادامه دارد ، آنجا وطن من است " . اسقف کاپوچی هنگامیکه اسقف

کلیسای مسیحی بیت المقدس بود به حقانیت سرد قهرمانانه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و امیربالیسم بی بردو مصمم شد که همه امکانات خویش را در خدمت انقلاب فلسطین به کار برد . او از مصونیت اسقف بودن استفاده کرد و با مسافرتهای پیاپی به داخل و خارج بیت المقدس کمکهای پر ارزشی به انقلابیون فلسطینی که در داخل خاک فلسطین اشغال شده در شرایط بسیار دشواری به نبرد مسلحانه مشغول بودند،

جمع آوری کتاب در ابهر

بعد از ظهر سه شنبه ۵۸/۱/۷ در شهرستان ابهر ۵۰ هزار جلد کتاب کودکان ، از طرف کمیته انقلاب اسلامی این شهر جمع آوری و ضبط شد . بسیاری از این کتابها را ، نوشته های صمد بهرنگی و علی اشرف درویشیان تشکیل می داد . توجیه کمیته ابهر این بود که در زمان رفرا ندیم ، این کتابها میتوانستند در جهت ضدانقلاب مورد استفاده قرار گیرند و ذهن مردم را مسموم کنند . این کمیته تحویل کتابها را موقوف به بعد از فرایند و منوط به پذیرش کمیته اسلامی تهران کرد .

تشکیل سندیکای رانندگان تاکسی در خرمشهر

در هفته گذشته سندیکای رانندگان تاکسی با شرکت ۲۰۰۰ راننده تشکیل شد و نمایندگان سندیکا انتخاب شدند . در این جلسه درباره چگونگی تشکیل سندیکا و هدفهای آن بحث شد .

اخباری از آبادان

روز دهم فروردین دسته ای به یک مسجد واقع در احمدآباد لاین ۱۰ رفته قصد جلوگیری از شرکت مردم در رای گیری را داشته اند . پاسداران که در آنجا بودند شروع به تیراندازی کردند . افراد مذکور متفرق شدند و کسی آسیب ندید .

عده ای مسلح به کلانتری ۲ واقع در " بریم " حمله کردند و قصد آتش زدن به صندوقهای رای را داشتند . درگیری تا ساعت ۱۲/۵ بعد از نیمه شب ادامه یافت و بالاخره اخلاگران دستگیر شدند .

مهاجمین ، گروهی با عنوان دارو دسته ظاهر بودند که قبلا در خدمت رژیم سابق بوده اند .

اخلاگران ، بمنظور ایجاد بی نظمی و آراب ، اتومبیلی پر بار مواد آتش زا و مواد منفجره را در مقابل کتابفروشی سحر قرار داده ایجاد آتش سوزی میکنند . عده ای که صبح زود برای رفتن به سرکار از آنجا میگذرند ، با بدیدن آتش سوزی مردم را باخبر کرده ، حریق را خاموش میکنند .

حقوق کارگران باید پرداخت شود . خرمشهر - در تاریخ هشتم فروردین ماه کارگران شرکت " ستیو دورینگ " در خرمشهر به علت پرداخت نشدن حقوق اسفند ماه و عیدی خود دست از کار کشیدند و به راهپیمایی پرداختند . کارگران در مقابل اداره بندر اجتماع کردند و پس از مذاکره با رئیس بندر قرار شد به سرکار باز گردند و حقوق آنها تا چهارشنبه هفته دیگر پرداخت شود .

ما ورود اسقف کاپوچی ، رزمنده دلیر انقلاب فلسطین را به مهن خود خوش آمد میگوئیم . موفقیتهای این مبارز صدیق را در پاسخ به آرمانهای مقدس بشری آرزو مندیم .

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود



درباره حوادث گنبد، فدائیان موظفند سخن بگویند

بقیه از صفحه اول

همه باید بدانند زمین داران بزرگ گنبد که ادامه استعمار و حشمانه خلق رحمتکش ترکمن برایشان ناممکن شده بود به چه حیلها و به چه کسانی متوسل شده اند که با خلق ترکمن را سرکوب و زمینها-یشان را پس بگیرند با باهر انگیزه‌ای احساسات پاک مذهبی نوجوانان انقلاب مردم را به جنگ و برادر کشی بکشانند. راستی چه کسی آتش جنگ را برافروخت؟ برای شناخت ریشه های مسئله گنبد باید اندکی به عقب بازگشت.

میدانیم زمین های ترکمن ها پس از قاجاریه کلاً توسط شخصی رضاخان غصب شد. طی حکومت جابرانه پهلوی به تدریج وابستگان به دربار و ابادی مزدور او به ویژه سران ارتش تمام منابع طبیعی، مراتع و کشتزارهای ترکمن ها را غصب کردند. خلق ترکمن نه تنها از ثروت های طبیعی خود محروم شد، بلکه بیش از نیم قرن آنها را از حقوق مسلم تعیین سرنوشت و شرکت در امور مربوط به خود و از فرهنگ خود و اساساً از هستی خود محروم ساختند. دهقانان ستمکش ترکمن با انتظار بسیار پس از سرنگونی رژیم سلطنتی به زمینهای آنها و اجدادی خویش بازگشتند. آنها در هر روستا شورائی تشکیل داده و املاک زمینداران بزرگ را مشترکاً مصادره کردند. از سوی دیگر روسفکران ترکمن نیز رسالت شکست سد احتیاج فرهنگی را بر دوش گرفتند. آنان کانسون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را بنا نهادند. چیزی که در این میان چون خار در چشم مرتجعان و زمین خواران حریص نشسته بود، اعتماد و صمیمیتی بود که بین کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و روستائیان فقیر وجود داشت. زمین داران، این کینه جوترین دشمنان خلق، به دسیسه چینی پرداختند. آنان با عواملی که در فرمانداری و کمیته امام در گنبد داشتند تبلیغات شدید ضد مردمی و ضد فدائیان را آغاز کرده و عده ای از نوجوانان و جوانان ساده لوح و پشور را که از پیروزی انقلاب بی خبر و جدا آمده بودند از شهرهای آمل، بابل، ساری، گرگان، بجنورد، قوچان، مشهد و تهران تحت عنوان جنگ علیه "کفار" برای کشتار خلق ترکمن به گنبد فرستادند.

از روزهای دوم و سوم فروردین به بعد به تدریج چندین نفر از نوجوانان از شهرهای اطراف، مشهد و تهران به گنبد می روند. روز پنجم فروردین ماه در مجموع حدود ۷۰ تا ۸۰ پاسدار مسلح انقلاب در گنبد جمع می شوند.

روز یکشنبه پنجم فروردین ماه یک سیکار فروش ترکمن را پاسداران انقلاب به اتهام گرانفروشی بازداشت می کنند. چند نفر از ترکمن ها وساطت و اعتراض می کنند. جنجال می شود. سیکار فروش قصد فرار می کند. جوان ۲۲ ساله ای بنام آراز دردی پور کشته و یک نفر زخمی می شود. مردم شهر با شنیدن این موضوع به خشم می آیند. جلوی کانون فرهنگی و شهرداری اجتماع می کنند و به کشتن جوان اعتراض می کنند. جسد را می خواهند، از تحویل آن امتناع می شود. بالاخره صبح ششم فروردین جسد را تحویل می گیرند و تشییع می کنند. هفت الی هشت هزار نفر در مراسم شرکت می کنند. تظاهرات و تشییع جنازه بعنوان اعتراض به عمل قاتلین با سکوت وبدون دادن شعار برگزار میشود. جسد جوان که اهل بیدر ترکمن بود به آنجا منتقل می شود.

از چند روز پیش برای اعلام نظر پیرامون فرامردم و اعتراض به کشتار سنج از طرف کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن یک اجتماع در ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه ۶ فروردین در میدان باغ ملی گنبد اعلام شده بود. حادثه کشته شدن یک ترکمن در روز قبل موضوع اعتراض به قتل و مجازات مسببین جنایات را هم به مسائل فوق اضافه می کند.

در این جا لازم به تذکر است که از حدود ۲ هفته قبل از این تاریخ بنابه دعوت کانون سیاسی - فرهنگی یکی از اعضای سازمان برای همکاری با کانون به گنبد اعزام شده بود. این رفیق فدائی مسلح به سلاح کمری، مسلسل و نارنجک و ساپانور بود. تجهیزاتی که از چند سال پیش برای مبارزه با رژیم دیکتاتوری سابق تاکنون یک لحظه هم آنها را از خود دور نکرده بود. فعالیت رفیق در کانون کاملاً علنی و آشکار بود. رفیق در ارتباط نزدیک با آقای نوروزی مسئول کمیته امام شهر گنبد قرار می گیرد و سعی می کند مسائل مشترک را با تفاهم حل نماید. ساعت هشت روز یکشنبه از کانون گنبد به ستاد تهران تلفنی موضوع کشته شدن یک نفر ترکمن بدست پاسدار انقلاب و حالت تشنج شهر گزارشی می شود. ضمناً اضافه می شود که رفیق عباس هاشمی (فدائی خلق) با آقای نوروزی تماس تلفنی داشته و ضمن شرح وقایع

گفته است که کانون هیچ گارد مسلح در شهر ندارد. مسئولیت حفظ شهر بر عهده کمیته امام است. آقای نوروزی جواب نمی دهد و فقط گویی را می گذارد.

از ساعت ۲ بعد از ظهر ششم فروردین که جمعیت برای میتینگ در میدان اجتماع می کند، از اطراف شهر صدای تیراندازی برمی خیزد و به تدریج نزدیک می شود. سخنرانان جمعیت را که حدود ۱۵-۲۰ هزار نفر بودند دائماً دعوت به آرامش می کنند. میتینگ تا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر همچنان ادامه می یابد. در این ساعت صدای شلیک گلوله

از نزدیک به گوش میرسد، بطوریکه مانع ادامه سخنرانیها می شود. شلیک ناآین لحظه هوائی است، اما جهت تحریک تظاهر کنندگان به موتور سیکلت های پارک شده در کنار خیابان تیراندازی می شود. مهاجمان اکثراً ماسک بر چهره و بازوبند پاسداران انقلاب بر سر می دارند. برخی لباس نظامی و بعضی لباس شخصی به تن داشتند. ناگهان به سوی جمعیت شلیک می شود. جمعیت که تا این لحظه دائماً به آرامش دعوت می شد هراسان شده و چنانچه دقایقه بعد متفرق میشود. ترکمن ها بشدت خشمگین میگرددند. کشته شدن نوجوانی در روز قبل و حمله نا جوانمردانه نقابداران مسلح و کشته و مجروح شدن بیش از ۲۰ نفر از تظاهر کنندگان، کنترل امور را از هم می گسستند. مهاجمان به کانون فرهنگی - سیاسی که در جوار محل میتینگ قرار داشت یورش می برند و کتابخانه آنها را به آتش می کشند. سپس به محل کانون شوراهای خلق ترکمن حمله می کنند. کانون زیر شلیک سنگین مسلسل و گاز اشک آور قرار می گیرد. رفیق ما عباس هاشمی تا این لحظه که ساعت ۵/۵ بعد از ظهر است در کانون مانده است. او بنا به دستور مرکزیت سازمان که قبلاً در مطبوعات هم اعلام شده بود، به شلیک پاسخ نمی دهد و حاضران در ستاد را به آرامش دعوت می کند. همه را جمع کرده به اطاق عقبی ساختمان هدایت می کند که در مسیبه شلیکهای بی امان باشد. عباس دائماً توصیه می کند خون سردی خود را حفظ کنند. با تهرانی تماس می گیرد و می گوید به ما حمله شده و زیر شلیک سنگین قرار داریم چه کنیم؟ گاز اشک آور پرتاب کرده اند... سوختم... تلفن قطع میشود. طبق گزارشهایی که بعداً به ما رسید عباس و حدود ۱۵ نفر دیگر که در ستاد بودند توسط پاسدارانیکه بداخل آمده بودند خلع سلاح و بازداشت می شوند و این در شرایطی بوده است که هنوز از جانب ترکمن ها هیچ مقابله ای آغاز نشده است. بازداشت عباس ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر روز دو شنبه ششم فروردین ۵۸ صورت گرفت. و صرفاً برای این خاطر بوده است که شخص مسئول و متصدی را که نمی توانست در کنترل وقایع نقش موثری ایفا کند از دور خارج کرده جنگی کور و خونین را به خلق ستمکش تحمیل کنند. کشتار مداوم و وحشتناک ترکمن ها آنچنان خشمی به پا کرده بود که هر ترکمن در جستجوی سلاح، خود را به آب و آتش می زند تا از خود در مقابل مهاجمان دفاع کند.

از صبح روز سه شنبه هفت فروردین تعرض ترکمن های خشمگین شروع می شود و تا شب هنگام حدود دو سوم شهر به تصرف آنها در می آید و این در شرایطی بود که عباس هاشمی که می توانست در کنترل وضع نقش موثری ایفا کند و جلوی خونریزی را بگیرد بازداشت شده بود.

در این روز پاسداران انقلاب با بی تجربگی تاسف انگیزی علیه رفیق توصیه های مکرر افراد پرتخریب نظامی و غیر نظامی که در محل بودند به تحریک "عمادی" (که بعدها باید راجع به نقش او در وقایع پیش از این تحقیق شود)، الله اکبر گویان به میان خیابان آمده و به سوی منطقه ترکمن نشین یورش می برند. متأسفانه در این روز چندین نفر از این جوانان پرشور به شهادت می رسند. این جوانان با تصور اینکه فرماندهان در امری که به آنها توصیه می کند "بدینگونه نباید جلو گلوله رفت" ضد انقلابی است او را بازداشت می کنند و در پاسداران جزو اسرا به حبس میکشند. توطئه کاملاً به موفقیت رسیده بود. از شهرهای مازندران، خراسان و تهران جوانان نادانسته به کشتار مردمی که برای دفاع از خود و احقاق حقوق خود به پا خاسته بودند، فرستاده می شوند. فراخواندن حدود یکصد تن جوان پرشور و برافروخته و بی تجربه به نام پاسدار مسلح از اهالی آمل، بابل، ساری، تهران، بجنورد، مشهد و دیگر جاها به گنبد که طی دوروز قبل از حمله صورت گرفت، برای چه بود؟ آیا اگر مائیلی بین کمیته امام و دولت از یکسو و ترکمن ها و کانون فرهنگی و شوراهای آزادی دیگر وجود داشت، امکان نداشت از طریق دیگری جز به خون کشیدن توطئه گرانه میتینگ حل و فصل شود، کدام مذاکره بین ترکمن ها و کمیته امام با دولت در مورد مسائل مورد اختلاف صورت گرفته بود که به نتیجه نرسیده و تنها راه کشتار

مردم در میتینگ تشخیص داده شده بود؟ دست چه کسی در میان بود است که وقایع را بدینگونه پیش برده؟ چرا می باید ابتدا چند نفر از ترکمن ها بدست پاسداران و چند پاسدار به دست ترکمن ها کشته شود و بعد مذاکرات برای حل مسائل آغاز شود؟ سؤال این است که آیا اگر چند پاسدار مسلح بوجوان و چند ترکمن در این میان قربانی توطئه های نوم مرتجعان شوند مسائل حل میشوند؟ سرمایه داران و زمینداران که منافع خود را در خطر می دیدند آیا اکنون با ایجاد این خوتر بزی ها خوشحال نیستند؟ نمیتوان انتظار داشت که زمینداران و غارتگران و عوامل آنها از مصادره زمین هایشان توسط دهقانان خشنود باشند ولی قطعاً آنها را سلاح کشیدن یکطرف شهر به روی طرف دیگر خشنودند.

مادراینجا می پرسیم، اگر دولت با پاسداران رسمی و شناخته شده کمیته به فعالیتهایی که در ترکمن صحراً صورت می گرفت معترض بودند، پس چرا قبل از حمله مسلحانه به میتینگ و سخنرانی کانسون ترکمن نکوشیدند قذمی در راه حل مسائل بردارند؟ چرا به جای حل مسائل اجازه داده شد به تبلیغات سوء و پخش اخبار جعلی و تحریک شده و دامین زدن به جنگ بین مردم بردارند؟ مگر راه مذاکره بسته شده بود؟ مگر تمام امیدها از حل مسأله آیز مسئله قطع شده بود که پاسداران انقلاب دستور حمله و کشتار داده شد؟ هم مبینان مبارز خوب می دانند که چگونه کشته شدن چند ترکمن به دست پاسداران و کشته شدن چند پاسدار به دست ترکمن ها می تواند چنان آتش کینه و نفرتی را برانگیزد که آنچه که با صحت قابل حل بود ناگلوله هم دیگر قابل حل نباشد؟ به خون کشیدن شهر گنبد توطئه ای بود است که ارجح کثیف ترین توطئه گران ضد انقلاب و عوامل امپریالیزم تدارک دیده شده بود.

ما اعلام می کنیم، به هیچ وجه در جنگهای شهر گنبد مداخله ای نداشته ایم. ناکند می کنیم که همان روز اول درگیری ها میند - سازمان در گنبد طبق دستور العم - اکید سازمانی از شلیک خودداری کرده و متأسفانه علت تحریکات مرتجعان بازداشت شده است. مرتجعان می خواهند طوری وانمود کنند که گویا مادر کسب فعالیت داشته ایم حال آنکه ما افتخار می کنیم کینه نه تنها در گنبد بلکه در بسیاری از شهرهای ایران دوشادوش بیشترترین نیروها، دوشادوش آنان که در راه آزادی و دموکراسی مبارزه می کنند، در کنار مردم و همراه مردم برای نابودی تمام مظاهر ستم طبقاتی و ملی مبارزه می کنیم و خواهیم کرد و این مبارزه حق طلبانه را وظیفه همه انقلابیون راستین خلق می شناسیم.

آقای قطب زاده هدف از پخش اخبار جعلی...

باشد ولی رادیو تلویزیون با وجود درخواستهای مکرر مابه هیچ وجه به این مسئله توجه نکرد. اما همانگونه که همه هم مبینان میدانند رادیو تلویزیون اقدام به پخش اخبار و بیانیه های تحریک آمیز و دروغین و گمراه کننده گروههای سیاسی بی هویتی که موجودیت آنها قابل شک است نمود. در طول روزهای گذشته پخش اخبار جعلی و تحریف شده و نفاق افکنانه و تبلیغات مفرضانه بر علیه فدائیان پیوسته ادامه یافت و دست آخر در سرویسهای خبری روز دوشنبه ۱۳ فروردین اعلامیه تحریک آمیزی از جانب جمعیت جوانان مسلمان شاخه نظامی کسب در تلویزیون چندین بار پخش شد.

سؤال ما بسیاری از مردم این است که هدف آقای قطب زاده از پخش اخبار تحریف شده و جعلی و تحریک آمیز از رادیو تلویزیون چه بوده است؟ راستی قطب زاده ها با پاسور اخبار واقعی و پخش اخبار جعلی چه هدفی را دنبال می کنند؟

هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را با درس

زیر ارسال نمائید:

تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

برای حمایت مادی خود از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - تهران - بانک ملی ایران شعبه داسگاه حساب جاری شماره ۲۲۰۹۸

نگ بر توطئه گران و نفاق افکنان

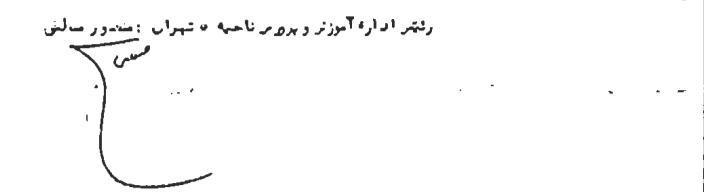
سند دیگری از اختناق و ...

اخیراً چند تن از روسای آموزش و پرورش طی بخشنامه هائی از مدیران و مسئولان مدارس خواسته اند تا مانع گفتگوها و بحث های سیاسی واجتماعات دانش آموزان شوند. در اینجا یک نمونه از این گونه دستورالعمل هارا که از طرف " منصور منطقی" رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ صادر شده است ملاحظه می کنید. از آنجا که چند نمونه مشابه دیگر نیز در دست است، نمیتوان گفت که صدور این دستورالعمل های ضد دموکراتیک کار فردی و خود سرانه است. به ویژه آنکه تعداد زیادی از معلمان و دانش آموزان به سبب داشتن عقاید و اندیشه های مترقی و تبلیغ آنها، بازداشت و یا مورد بازخواست قرار گرفته اند.

خلیسی نوری
دهستان مدرسه راهنمایی تحصیلی شهرستان

بفرار الملاح رسیده بحسب از اتمام بنامین مختلف مدارس مراجعه و درخواست نشان دادن فیلم با هزینه بنایگاه مگر با سخنرانی و غیره مینمایند و همچنین در بعضی از مدارس توسط بعضی از آموزگاران یا مدیران بنیاد تشکیل کتبه یا عموماً و تپه ریش و مسابون و ترمیم بعضی از آژیران مقرر میشود و به غیره. برخی از مدارس بعضی از معلمان که تعداد آنها بسیار کم و ناآرام است به علت نگرانیهای فراوان در آن مدارس به جای تدریس مواد مربوطه و کوشش در پیشبرد دروس مقرر شده دانش آموزان که ولیفه در معلم شریف برای سنگاری و شکستگی با انقلاب مقرر اسلامی ایران است به تبلیغات سوشی که جز بر نشان سامنته ذهن پاک نیارگان و بیواتان نمیده دیگر تا ارد اقدام مینمایند طبعاً بدینوسیله با مستشاران مرسند اولاً از رود به نوع اشخاص بدون معرفی رسمی از طرف این اداره جدا " جلوگیری فرماید ثانیاً تشکیل جریع جلسات بنام از مقررات آئین نامه وجود خود داری فرماید مگر دستور فاسی از طرف کمیته از تکی انقلاب اسلامی یا بدین نامه گسی در سطح کشور از طریق مراجع نه صلاح صادر گردد فرماید ثانیاً به الملاح این اداره برسد تا ثانیاً به بلایه دقیق جرات فرماید فرموده بنام بنیاد مصلحتی در آن مدرسه بر خلاف ولایف مقرر و غیر خلاف هدف مقدس نهضت اسلامی نسبت به آلوده کردن ذهن و افکار دانش آموزان اقدام نماید فرماً" باین اداره معرفی فرماید.

ضمناً بر نامه صحیحاً (تلاوت چند آیه قرآن مجید با ترجمه روان) توسط خود دانش آموزان همه روزه باید برگزار شود. این بخشنامه ضمن آنکه باید با الملاح فرد حاکمان آن آژیرنگاه برسد



رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ تهران: منصور منطقی

منصور منطقی، صادرکننده این دستورالعمل که اینک ماسک انقلابی به چهره زده، در انتخابات رستاخیزی کاندیدا بود و بقایای اعلامیه های تبلیغاتی او هنوز هم بر درود یوار شهر موجود است. معلمان پیشگام در اطلاعیه ای شدیداً به این نوع دستورالعمل های ضد دموکراتیک اعتراض کرده و خواهان پاسخگویی صریح وزیر آموزش و پرورش و مقامات دولتی شده اند. در قسمتی از این اطلاعیه چنین آمده است:

... چرا مفهوم تبلیغات سوش را بطور صریح بیان نمی کنید؟ این عبارت ها و شعارهای کلی راز رژیم گذشته هم بیان می کرد. آیا برخورد با مسائل اجتماعی باید به همان شیوه باشد؟ " معلمان پیشگام اضافه می کنند: "... از کدام قانون و آئین نامه صحبت می کنید؟ از قوانین و آئین نامه های رژیم سابق که اجازه بحث و گفتگو و برخورد اندیشه های آزاد به دانش آموز و معلم نمی داد؟ باز قوانین و آئین نامه های دوران انقلاب؟ قوانین دوران انقلاب که باید به با نگر آزادی و دموکراسی باشد نه اینکه هرگونه آزادی بیان و اندیشه را نابود کند و اختناق و ترس و سانسور را دوباره برقرار سازد. آیا قوانین انقلاب، حقوق داشتن جلسات سخنرانی و نمایش فیلم و تئاتر در مدارس را از دانش آموزان سلب می کند؟ برآستی چه کسی میتواند این حق را که آنها با نثار خون خود بدست آورده اند پس بگیرد؟

دیروز عمله، امروز مستضعف، فردا بدهکار

در اجتماع کارگران بیکار در خانه کارگر یکی از نمایندگان کارگران که گزارش مذاکرات خود را در مورد میزان وام دریافتی کارگران بیکار از وزارت کار تشریح می کرد، گفت:

" در طرحی که از طرف وزارت کار برای این منظور تدوین شده، همه جایز کارگران وام گیرنده بعنوان بدهکار نام برده شده است. ترس من از این است که این نام (بدهکار) در آینده بر روی ما بماند. ... وی سپس با کتافه گفت: " تا دیروز به ما عمله می گفتند، امروز مستضعف می گویند و هیچ بعید نیست که فردا ما را (بدهکار) بنامند. خدا آخر عاقبت ما را به خیر کند."

تبلیغات مغرضانه علیه نیروهای مترقی و مبارز

می افتند فاش نمایند. ضمناً دولت نیز موظف است به مسئولیت های خویش در حفظ دستاوردهای انقلاب و تضمین آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم توجه کافی مبذول دارند. همچنین برعهده نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی است که با ممانعت و بردباری با این مسائل برخورد کرده و با کار توضیحی وسیع، کتب و شفاها، سعی نمایند نقش عناصر مشکوک و ارتجاعی را افشا کرده و توده های ناآگاه را از عواقب وخیم این اعمال مطلع سازند.

در خاسته باید بگوئیم که ما به هیچ وجه مخالف مبارزه سیاسی- ایدئولوژیکی نیروهای مخالف نیستیم برعکس معتقدیم که " در یک محیط دموکراتیک، و در برخورد هفتاد و آرا سازنده است که سطح آگاهی توده ها بالا میرود. " در همین رابطه است که ما صراحتاً اعلام میکنیم از هر کوششی که در این زمینه صورت گیرد، استقبال میکنیم. ما به نشر مطالبی که به شیوهای درست، بحث و مبارزه سیاسی- ایدئولوژیکی را در میان زنده و همچنین ترتیب دادن جلسات بحث و مناظره در مورد همه مسائل مملکت در مطبوعات، رادیو تلویزیون، دانشگاه ها، مدارس و مساجد را قدمی مثبتی در آگاهی افکار عمومی میدانیم. هیچکس متکبران واقعیت نمیتواند باشد که این نوع حرکات به بالا بردن آگاهی هموطنان کمک میکند. در حالیکه انتشار ورق پاره های مشکوک و مبتذل و سرا پا فحش، ایجاد محیط تحریک آمیز پاره کردن اعلامیه ها و حمله به نمایشگاههای عکس جز ایجاد نفاق و دشمنی بین توده و درگیری بین مردم که به نفع امپریالیسم و ضد انقلاب است، شری ندارد.

نمیشود: حال که امپریالیسم نتوانست بوسیله رژیم شاه خائن سلطه خود را ادامه دهد با ایجاد نفاق و دشمنی و درگیری مردم با یکدیگر نقشه های پلید خود را اعمال سازد؟ یعنی بازگشت به سیاست قدیمی امپریالیسم: " تفرقه بینداز و حکومت کن."

تاریخ کشور ما و سایر ملتها نشان داده است که ایجاد چنین شرایطی توسط تحریک آمیز، مقدمه ای برای وجود آوردن دستجات فاشیستی و تروریستی توسط امپریالیسم و ضد انقلاب بوده است. ابتدا نیروهای چپ را در اذهان عمومی مردم ضد دین، مخالف اخلاق عفت و حیا، طرفدار دیکتاتوری، بورژوا ضد خلق، اجنبی پرست و... نشان می دهند سپس عوامل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم از جو تحریک آمیزی که در بین مردم ناآگاه و متعصب مذهبی وجود آورده اند توده ناآگاه را آلت دست خود ساخته و برای ایجاد دستجات فاشیستی و تروریستی سر باز گیری میکنند. همه میدانیم که دستجات فالانژیستهای لبنانی، فاشیستهای ترکیه و آژانژین که به سبک فاشیستیهای آلمانی و صهیونیستهای اسرائیلی عمل میکنند چگونه بدست امپریالیستها به وجود آمدند.

قصد ما از نوشتن این مطالب دادن هشدار به تمام نیروهای انقلابی است. ما معتقدیم در این باره همه نیروهای مترقی، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، مسئولیت خطیری به عهده دارند. بر روحانیت مترقی است که در این باره مردم را ارشاد کرده و نقشه های شوم ارتجاع را برای مردم ناآگاه که ندانسته به دام عناصر مشکوک

این روزها در تهران و شهرستانها اعلامیه هائی تحریک آمیز و مشکوک منتشر میشود که نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی را آماج حمله های خود قرار میدهند. دستهای ناپاک و مشکوکی که این اعلامیه هارا می نویسند قصدشان پاشیدن تخم نفاق و دشمنی بین اقشار و طبقات مبارز میهن ماست. اینها قصد دارند از ناآگاهی یا اعتقادات مذهبی هموطنان ماسوا استفاده کرده و محیطی تحریک آمیز علیه عناصر و جریانات مترقی و ضد امپریالیست به وجود آورند، مشکوک مانع بوجود آمدن محیط تفاهم و دموکراتیکی شوند که مردم ایران بخاطر آن قیام کردند و هزاران شهید دادند. کار این عناصر مغرض به انتشار این فحش نامه ها خاتمه نمی یابد. عملیات ضد دموکراتیکی نظیر پاره کردن اعلامیه ها و حمله به نمایشگاههای عکس شهیدای انقلابی، آتش زدن کتابفروشیها و دستگیری پخش کنندگان اعلامیه های سازمانهای مترقی و حتی شلاق زدن توزیع کنندگان آنها توسط عناصر مشکوکی که در بعضی کمیته های امام رخنه کرده اند، انجام میگردد. همه اینها به وضوح پرده از روی نقشه های شوم و ضد انقلابی عوامل ارتجاع که در خدمت مستقیم یا غیر مستقیم امپریالیسم عمل میکنند، بر مهادارند. ایجاد رنج و وحشت در بین مردم و سلب آزادیهای مردم در برابر عقاید سیاسی، اجتماعی و فلسفی خود، به نفع چه کسی است؟ آیا اینها زمینه بوجود آوردن محیط ترور و سرکوب خلق یعنی بازگشت به دوره سابق و تحکیم مجدد سلطه کامل امپریالیستها نیست؟ آیا برآستی این سؤال مطرح

آقای امیر انتظام تجدید سازمان ساواک، خیانت به انقلاب است

سخنگوی دولت روز پنجشنبه گذشته در مورد بازسازی مجدد ساواک گفت:

" سازمان امنیت برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی فعالیت خواهد کرد". او همچنین اظهار داشت " یک گروه سه نفره برای تصویب به سازمان امنیت اعزام شده اند."

کیهان شنبه ۱۱ فروردین ۵۷

باز گذاشتن دست سازمان امنیت برای خیانت، تقویت ضد انقلاب است.

در حالیکه هنوز عده ای از ما مور به ساواک بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند در تعقیب و بازداشت بسر می برند، بازسازی ساواک چه مفهومی می تواند داشته باشد؟

مگر غیر از این است که ساواک با کارنامه سیاه چند دهه اش، کانون بیشترین ترس و ننگین ترین توطئه ها و جنایات ها بر علیه خلق ایران بسوده است؟

سازمان امنیت به دست مزدوران و جاسوسان کثیف " سیا" برپا شده و درس خیانت و توطئه بر علیه منافع مردم ایران را در مکتب این مزدوران فرا گرفته است. این سازمان همواره بعنوان برنده ترین حربه برای سرکوب جنبش خلق و کشتار و شکنجه مبارزان بکار گرفته شده است. عناصر این سازمان با دقت فوق العاده از بین سرسپرده ترین افراد نسبت به رژیم ننگین پهلوی انتخاب و در مکتب " سیا" پرورش یافته اند.

عناصر این سازمان پس از انحلال ساواک به هیچ وجه دست از خیانت و

جنایت و توطئه های ضد مردمیشان برداشتند و نمی توانند بردارند. این مزدوران تا مفرز استخوان فاسد، برای توطئه چینی و جاسوسی به نفع اربابشان در مراکز حساس و کمیته های امام نفوذ کردند. این افراد در طی دو ماه اخیر بصورت های گوناگون برای مشکل کردن بازمانده های ساواک - اقدامات ضد انقلابی سازمان یافته فعالیت مستمر داشتند.

از سخنگوی دولت می پرسیم به جای شناسایی دقیق این عناصر و تحت نظر گرفتن فعالیت های ضد انقلابی آنها و سلب امکان توطئه چینی از آنها ما مور کردن این کثیف ترین جاسوسان سرسپرده آمریکا برای کنترل هم مسلکانش چه مفهومی دارد؟

آیا غیر از این است که اینگونه اقدامات به منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی مردم، تقویت ضد انقلاب و باز گذاشتن دست امپریالیسم و ابادی آن برای توطئه چینی بر علیه صفوف مشکل خلق می انجامد؟

اول ماه مه را هر چه باشکو هنتا بر گزار کنیم